

ماجرای یک پیشنهاد جنجالی

واکنش‌ها به شایعه اجباری شدن ازدواج و قوانین ۱۲ گانه آن همچنان ادامه دارد

محبوبه عظیم زاده

m.azimzadeh@shahraranews.ir

بعید است بعد از گذشت چندین روز، از مطرح شدن ماجرای ازدواج اجباری و حاشیه‌هایی که در رابطه با این موضوع در فضای مجازی ایجاد شد مطلع نشده باشید؛ اتفاقی که گذشت زمان هم نتوانست آن را چندان کم‌رنگ کند و همچنان عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های متعددی درباره آن به چشم می‌خورد. گرچه این مطلب آن‌چنان که ابتدای کار مطرح شد جدی نبود اما محتوای عجیب و غریب آن و پیشنهادهایی که به دنبالش مطرح شد باعث بیشتر آامن زدن به آن شد.

● حواستون باشه که فقط تا ۲۸سالگی وقت دارین

اصل ماجرا از این قرار است که شخصی به نام حجت‌الاسلام محمد ادریسی که ظاهرا سردبیری نشریه سراج را بر عهده دارد، طی یادداشتی خطاب به مجلس و دولت، قوانینی را برای سرعت بخشیدن به ازدواج جوانان مطرح کرد. او در صحبت‌هایش تنها راه علاج و جلوگیری از انحراف جوانان را ازدواج دانسته و در مقابل مسائل بنیادین و ریشه‌ای دیگری مثل فرهنگ‌سازی را تنها مسکنی پنداشته است برای این‌درد. باین‌حال صحت‌های او وقتی

بیشتر دست‌به‌دست شد که با اشاره به اینکه دولت‌ها و دولت‌مردان نیز در این امر دخیل هستند، ۱۲ قانون را برای شتاب در ازدواج مطرح کرد و خواستار حمایت، اصلاح، تدوین، تصویب و اجرای آن شد. قوانینی مثل «ابتدای دوره ازدواج اختیاری ۱۷ سال و انتهای آن ۲۸ است و اگر کسی ازدواج نکرد باید ازدواج اجباری داشته باشد»، «اگر کسی بعد از سن ۲۸ سالگی از ازدواج امتناع کرد از او ربع درآمد کسب‌وکار و صنعت یا مالیات از تجارت گرفته می‌شود و به آن‌ها که می‌خواهند ازدواج کنند و گرفتار فقر هستند داده می‌شود» و «کسی که در دوره ازدواج اختیاری و قبل از ۲۸ سالگی ازدواج کرد و صاحب ۴ فرزند شد از سربازی معاف می‌شود و یارانه بیشتری از دولت‌ها دریافت می‌کند.»

● آپشن قرعه‌کشی رو هم اضافه کنین

عکس‌العمل توییتر‌بازها و کاربران فعال در شبکه‌های اجتماعی در رابطه با موضوع ازدواج اجباری به شدت زیاد بود و البته که توثیت‌ها و کامنت‌هایی که رد و بدل می‌شد انواع و اقسام مختلفی داشت. عده‌ای طبق معمول فقط به ساختن جوک‌ها و بذله‌گویی‌هایی در این مورد اکتفا کردند: «بازم

هر زمان صحبت از خوب و بد یک موضوع اجتماعی می‌شود، باید دید آیا اجبار واقعا بهترین راه حل است؟

ازدواج نکردن به صرفه تره، چون اگه ازدواج کنی کل حقوقو باید بدی به زنت.» یا «هیجان ازدواج با قرعه‌کشی خیلی بیشتر از ازدواج اجباریه.» یا «اولین قدم واسه ازدواج اجباری بالا بردن تراکم جمعیت دانشگاهاست تا دختر پسرا بیشتر به‌هم بخورن و جزوه‌هاشون بریزه رو زمین.» عده دیگری رندانه‌تر به این داستان پرداختند و سعی کردند در اظهار نظرهایی که می‌کنند دولت را بی‌نصیب نگذارند: «با اجباری شدن ازدواج حالا به عده همسر احتکار می‌کنند و دولت مجبور میشه همسر یخ‌زده برزیلی وارد کنه.» کاربر دیگری گفته بود: «تو بحث ازدواج اجباری هم آقا زاده‌ها ۸، ۷ تا می‌گیرن و باز به ما چیزی نمی‌رسه.» خیل زیادی از این واکنش‌ها هم با خدمت سربازی گره خورد: «بیچاره شدم از این به بعد کنار خاطرات خدمت باید خاطرات ازدواج اجباریتونم بشنونیم.» یا «اونایی که کف پاهاشون صافه از ازدواج اجباری معاف می‌شن یا باید ۳ ماه برن نامزدی؟» و در این میان بودند کسانی که جدی‌تر به این ماجرا نگاه کردند و مسئله اصلی آن‌ها معیشت مردم بود: «آقای که نفست از جای گرم بلند می‌شه، به جای تصویب قانون اجباری به فکر ایجاد شغل و مسکن جوان‌ها

باش. بحث ازدواج خودش درستی می‌شه.»

● بیایید به هر چیز در حد خودش اهمیت بدھیم

هر زمان صحبت از خوب و بد یا پذیرفتن و نپذیرفتن یک موضوع اجتماعی و کش‌وقوس‌های آن می‌شود، اولین صحبتی که بلافاصله در مرحله بعد مطرح می‌شود بررسی این نکته است که آیا اجبار واقعا بهترین راه حل است؟

حتی به انضمام در نظر گرفتن تبصره‌ها و مزایایی برای آن؟ بحث ازدواج اجباری فقط در حد یک حرف است و برخلاف آنچه که در برخی از صفحات مجازی و منابع به چشم خورد، شخص مطرح‌کننده آن، نه نماینده مجلس است، نه این طرح سر از مجلس درآورده و نه قرار بر تصویب آن است. شاید جدای از یادآوری این‌نکته که اعمال فشار در هیچ موردی جواب



طرح: علیرضا اکدل / شهرآر

درستی نمی‌دهد، بد نیست مجدداً با خودمان مرور کنیم که در دریای ویرانه‌های فضای مجازی و یک کلاغ و پر تلاغی که به سادگی در آن صورت می‌گیرد، خوب است برای پر و بال دادن و اهمیت قائل شدن برای یک مسئله جدید، جدای از فضای شوخی و خنده‌ای که برای خودمان به راه می‌اندازیم، ابعاد جدی‌تر آن را نیز با دقت بیشتری بررسی کنیم.

شهرآر

روزنامه شهرامیدوزندگی

۳شنبه۱۳۹۹ فروردین ۱۲۹۹ شمسر۱۳۹۹

۱۳

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

تخم‌مرغ‌هایی که شانس می‌شوند!

ابتکار – مجلس یازدهم هنوز از راه نرسیده جلسات غیرعلنی را شروع کرد.

یک نماینده: آخه نور فلاش خبرنگارها نمی‌داشت راحت بخوابیم.

خبر آنلاین: سازمان مدیریت میادین شهرداری تهران هشدار داد با توجه به شیوع ویروس کرونا، مردم از خریدن هندوانه به شرط چاقو خودداری کنند.

یک میوه‌فروش: البته مردم هندوانه را به شرط چاقو نمی‌خرند، به شرط اینکه قیمتش پایین باشد می‌خرند.

رئیس کل سازمان بازرسی کشور: ورود نهاده‌های دامی باید از انحصار افراد خارج شود.

مردم: باشه فردا صبح، اول وقت می‌ریم ورود نهاده‌های دامی رو از انحصار افراد خارج می‌کنیم، بقیه با پدھا رو هم بگیرن تا یکی‌یکی انجامشون بدیم.

تجارت‌نیوز: رئیس اتاق بازرگانی: طبقه متوسط کشور در حال تجزیه شدن نیستیم.

طبقه متوسط کشور: راستش در حال تجزیه شدن نیستیم، در حال ترکیب شدن با طبقه فقیر کشور هستیم.

شهرآر– تخم‌مرغ در لانه گرانی.

تخم‌مرغ: من هم یواش‌یواش دارم تخم‌مرغ شانس می‌شم، باید شانس بیارین تا بتونین منو بخورین.

طرح ترافیک برای کادر درمانی آزاد شد.

یعنی ماما‌هایی که با یک عرق نعنا تمام دردها را دوا می‌کنند، می‌توانند به عنوان کادر درمان بدون محدودیت رانندگی کنند.

یک نامه سرگشاده به وزیر فوق‌العاده!

مهدی محمدی

mahdi.mohammadi@shahraranews.ir

سلام آقای وزیر راه و شهرسازی. خسته نباشید. از تلاش‌های شما و تارهای صوتی محترم شما تشکر می‌کنیم، شما با گفتن جمله «خانه تخرید تا از زان شود» قابلیت‌های مدیریت بازار مسکن خود را به دنیا و تمام وزرای مسکن دنیا نشان دادید. خبرهای موثقی داریم از اینکه تمام خریدارانی که توی بنگاه پای معامله خرید مسکن نداشتند بودند بعد از شنیدن این حرفتان که خانه تخرید تا از زان شود ناگهان متحول شدند، چایی را که متصدی بنگاه معاملات مسکن برایشان ریخته بود روی میز گذاشتند و خودکارشان را پرت کردند و گفتند: من این‌خونه رو نمی‌خوام.

آقای وزیر! شما خبر ندارید. ولی وزیر بهداشت ناراحت است و می‌گوید کاش همان قدر که مردم به حرف آن وزیر، یعنی شما، گوش جان می‌دادند به حرف من هم گوش می‌کردند و دستشان را به مدت ۳۰الی ۴۵ ثانیه با آب و صابون می‌شستند تا کرونا را شکست می‌دادیم.

آقای وزیر حرف شما نشان داد شما از تجربه‌های موفق مسئولان قبلی استقبال می‌کنید. چون سال‌ها پیش وقتی دلار از ۴۰۰۰ تومان به ۵۰۰۰ تومان رسید، مسئولان گفتند دلار تخرید تا از زان شود و بعد دلار سقوط آزاد کرد و از آن روز تاکنون دلار یک ریال هم بالا نرفته است.

آقای وزیر زمانی که شما گفتید خانه تخرید تا از زان شود، مردم با خودشان گفتند پس اگر خانه هم اجاره نکنیم، نه اجاره ارزان می‌شود؛ برای همین مردم نه خانه می‌خرند، نه اجاره می‌کنند و همه روی کارتن می‌خوابند و اگر مردم با همین فرمان پیش بروند، احتمالاً به‌زودی قیمت هر متر از خانه‌های مثلاً متری ده‌میلیون تومانی به ۱۰ هزار تومان خواهد رسید. آقای وزیر! کاش در دولت بعد هم برای وزارت مسکن شما را به مجلس معرفی کنند و جناب‌عالی با گفتن جملات کوتاه و مؤثری مانند «خانه تخرید تا از زان شود» بدون رأی ممتنع و مخالف وزیر شوید.

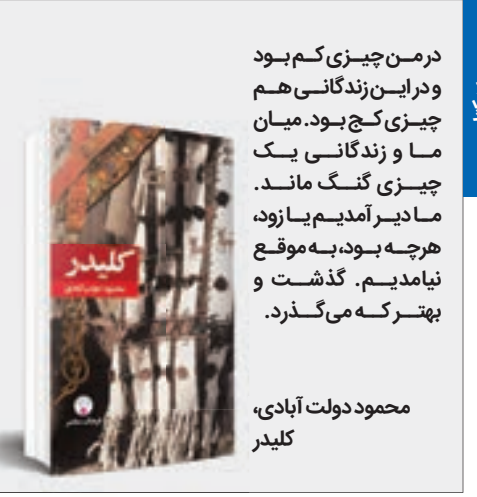
البته آقای وزیر، شما قابلیت‌های مدیریتی خود را به خوبی نشان دادید. وزارت مسئولیت کمی است برای شما. انتخابات ۱۴۰۰ بسیار نزدیک است. لطفاً لحظه‌ای از جلد مدیریت حرف‌های خود خارج شوید و به آن هم فکر کنید. با تشکر!



وقتی بزرگ می‌شی خیلی از چیزایی که دوستشون داشتی اونجوری که بودند به نظر نمی‌آن.

مهلکه

کاترین بیگلر



در من چیزی کم بود و در این زندگانی هم چیزی کج بود. میان ما و زندگانی یک چیزی گنگ ماند. مادیر آدمیم یا زود، هرچه بود، به موقع نیامدیم. گذشت و بهتر که می‌گذرد.

محمود دولت‌آبادی، کلیدر

بلیط یک طرفه به فرنگ باطل می‌شود؟

روزهای گذشته خبرهایی مبنی بر جلسات محاکمه اکبر طبری، معاونت اجرایی حوزه ریاست سابق قوه قضائیه، منتشر شد؛ یکی از آن‌دانه درشت‌هایی که با گرفتن رشوه، در پرونده‌های قضایی دست می‌برد. البته در این راه تنها نبوده و ۱۷ نفر دیگر را هم در فسادهایی که داشته هم‌را کرده بوده است که در بین آن‌ها ۹۰ قاضی هم حضور داشته‌اند! یکی از این قاضی‌ها، غلامرضا منصوری بود که خیلی از مشهده‌ی‌ها و ارباب واسطه قضاوت در پرونده معروف قتل‌های زنجیره‌ای سال ۸۱مشهد و دادن حکم اعدام به سعید حنایی به یاد می‌آورند. در میان افراد متهم در محاکمه اکبر طبری، وضعیت منصوری بیشتر از بقیه خیرساز شده است؛ چون هم رشوه گرفته و هم به خارج از کشور فرار کرده است. همین موضوع موجی علیه او در شبکه‌های اجتماعی خصوصاً توییتر به راه انداخته و هر کس توثیتی

درمورد گذشته او در کار قضاوت نوشته است. در همین میان بسیاری نیز از این اقدام قوه قضائیه در خصوص برخورد با مجرمان استقبال کردند. از حسین مهرزاد خبرنگار که از حکم‌های منصوری علیه خبرنگاران نوشته تا محمدعلی ابطحی که خودش چهاره‌ای سیاسی است. مهرزاد به دستگیری تعدادی از خبرنگاران در اوایل دهه ۹۰ اشاره کرده و گفته است: «بهمین ۹۱، شاید سخت‌ترین روزهای دهه ۹۰ برای صنف ما و جمع‌ی از بهترین روزنامه‌نگارم عزیزترین روزنامه‌نگارم بود. اگرچه امروز رابطه بعضی‌مان شکرآب است و بعضی عزیز‌تر از همیشه‌اند. غلامرضا منصوری که حکم بازداشتشان را داده بود حالا به دریافت رشوه ۵۰۰ هزار یورویی متهم است.» ابطحی هم به چند جمله خبری کوتاه، به تضادی که در گفتار و رفتار قاضی منصوری وجود داشت اشاره کرده بود: «منبرهای اخلاقی می‌رفت. قاضی لواسانات

بود. سوپر انقلابی با مطبوعات برخورد می‌کرد که مبادا ارزش‌های دینی توسط چند خبرنگار بی‌پناه پایمال نشود. غلامرضا منصوری قاضی دادگاه رسانه بود. با رشوه ۵۰۰ هزار یورویی فرار کرد. جزو متهمین دادگاه طبری بود. نفاق انقلابی روی دیگر سکه دزدی است.» اکبر منتجبی از دیگر خبرنگارانی بود که در واکنش به این اتفاق در توییتر خود نوشت: «غلامرضا منصوری سال ۹۱ حکم بازداشت ۲۰ روزنامه‌نگار را یک‌شبه صادر کرد. یکی از آن روزنامه‌نگاران من بودم که با اتهام بی‌ربط بازداشت شدم. همسر بیماری ام‌اس داشت و دارد. آن بازداشت کدایی باعث شد.» یکی از خبرنگارانی که توسط منصوری محاکمه و زندانی شده بود پوریا عالمی، طنزنویس بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات، است که با طنزی تلخ به این اخبار واکنش نشان داد: «آقای منصوری! بازداشت ۳۲ روز انفرادی این قلم، به اتهام همکاری با MIF و اتهامات دیگر به

قضاوت شما بود. به مادرم گفته بودید برای رضای خدا حکم می‌دهید. تهما خدا از شما راضی است؛ چون در خبر خواندم به‌عنوان پاداش ۵۰۰ هزار یورو و یک بلیت یک‌طرفه به فرنگ به شما رسانده اند.» شهاب‌الدین طباطبایی، یکی دیگر از خبرنگاران، هم به بازداشت پوریا عالمی به دستور قاضی منصوره اشاره کرده بود: «با انتشار خبر اتهام دریافت رشوه و متواری شدن منصوری نشد که مانع هجوم بی‌رحمانه خاطرات بهمین ۱۳۹۱ شوم. امشب بعد از سال‌ها دوباره یاد آن روزها افتادم. امشب با دیدن تصویر قاضی رشوه‌گیر فراری پرونده روزنامه‌نگاران سال ۹۱ یاد چشم‌های پر مهر و نگران مادر پوریا عالمی افتادم.» اما علت اینکه پای او به پرونده طبری باز شده است، به حسن نجفی، یکی از متهمان این پرونده، برمی‌گردد که به قاضی منصوری رشوه داد و این‌ماجرا مربوط به زمانی است که

با هم بشنویم شروع ناگهان کی خونده؟ علیرضا قربانی آهنگ‌سازش کیه؟ علیرضا افکاری ترانه‌سراش کیه؟ حسین غیاثی



تیتراژ

طنزنوشت

حاشیه‌نگاری